

کنکاشی پیرامون موانع توسعه فرهنگ دینی با تکیه بر قرآن و حدیث

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۳/۲۱

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۵/۲۳

مهدی اکبرنژاد*

فاطمه دالوند**

محسن حسنونندی***

چکیده:

قلمرو فرهنگ از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین حیطه‌های توسعه یک کشور به شمار می‌رود. در جوامع اسلامی، فرهنگ دینی از زیرمجموعه‌های فرهنگی جامعه بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اما با این حال بایستی اذعان داشت که در گذر زمان خواه و ناخواه در مسیر توسعه فرهنگ دینی در جوامع چالش‌هایی به وجود می‌آید. بر همین اساس، هدف از انجام پژوهش حاضر، شناخت و بررسی چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه توسعه فرهنگ دینی است. در گردآوری مطالب، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و طی آن، چالش‌های شناسایی شده را با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) تحلیل و بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در سر راه توسعه فرهنگ دینی، مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود نمایی می‌کنند؛ که با شناخت آن‌ها می‌توان گام اول را در مسیر توسعه فرهنگ دینی برداشت.

واژگان کلیدی: دین، فرهنگ دینی، توسعه، موانع و چالش‌ها.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام. Email: m_Akbarnezhaad@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث. Email: fa.daly@yahoo.com

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث. Email: hasanvafa88@yahoo.com

مقوله فرهنگ از جمله مفاهیمی است که دارای مؤلفه‌های متعددی می‌باشد. فرهنگ هر جامعه‌ای، ابعاد و شاخصه‌های متناسب با آن جامعه را داراست. در جوامع اسلامی، بر دین به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ تأکید می‌شود. منظور از دین، بایدها و نبایدهایی است که از سوی خداوند متعال و از منبع وحی سرچشمه گرفته، به زندگی بشر معنویت و قداست می‌بخشند.

توسعه فرهنگ دینی، فرایندی است که طی آن تمامی تلاش‌ها متوجه این موضوع است که بتوانیم مؤلفه‌های فرهنگ رایج در جامعه را جهت‌گیری دینی کرده، به آن صبغه دینی بخشیم؛ به گونه‌ای که تمامی رفتارهای افراد جامعه بر اساس معیارها و موازین دینی و مذهبی صورت گیرد. برای رسیدن به این مهم، موانعی بر سر راه است که نیل به آن را با مشکل مواجه می‌کند. شناسایی و رفع موانع در هر امری، گامی مؤثر در مسیر رشد و تعالی آن امر است. برای ایجاد بهبود در فرهنگ جامعه اسلامی و توسعه کامل و همه‌جانبه فرهنگ دینی نیز در درجه اول باید موانع و چالش‌های موجود در این زمینه را شناخته، سپس در جهت حل و رفع آن‌ها گام برداریم. تبیین و بررسی موضوعاتی چون فرهنگ و مسائل مربوط به آن، از جمله: توسعه فرهنگی، چالش‌های توسعه فرهنگی، موانع مؤثر بر توسعه فرهنگی و ارائه راهکار برای بهبود آن، همگی از جمله مسائلی‌اند که هر جامعه دینی با آن مواجه و اجتناب از آن امری ناممکن است.

بی‌توجهی به مقوله فرهنگ و فرهنگ دینی در مسیر توسعه، باعث از دست رفتن بخش مهمی از آرمان‌ها و اهداف اساسی حرکت رو به رشد و پیشرفت مردم در جامعه دینی می‌شود. بدین منظور، شناسایی آسیب‌های مربوط به مقوله دین و دینداری و فرهنگ دینی، بسترهای چالش برانگیز در امر توسعه فرهنگ دینی و مطالعه علمی راهکارهای توسعه فرهنگ دینی در جامعه، از جمله عواملی است که در جوامع دینی ضروری می‌نماید. با توجه به این مهم، در این نوشته بر آنیم تا با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) موانع و چالش‌هایی را که می‌توانند در مسیر دینداری و توسعه فرهنگ دینی وقفه ایجاد کنند، مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.



۱) موانع سیاسی

الف) تضاد بین حرف و عمل مسئولان

اساساً انسان پیش از آنکه از قول، سخن و تبلیغ متولیان دین تأثیر پذیرد، از کردار و سلوک و عملکرد آن‌ها متأثر می‌شود. هر گاه عالمان دین به علم خود عمل نکنند، خطر سست شدن باورهای دینی مردمان و کاهش پایبندی آنان به دین جدی خواهد بود. قرآن کریم در توبیخ عالمان دینی که اعمالشان بر خلاف اقوالشان است می‌فرماید: «اتَمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره: ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید! یا در سوره صف در همین زمینه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲-۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.

همچنین در روایتی از امام علی (ع) در بیان تأثیرپذیری مردم از کردار مسئولان چنین آمده است: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۸)؛ شباهت مردم به زمامدارانشان بیشتر است از شباهت آن‌ها به پدرانشان. در واقع؛ زمامداران حکومت دینی باید به گونه‌ای عمل کنند تا موجبات گسترش فرهنگ دینی را فراهم آورند. باید خود را همسو با افراد جامعه قرار دهند تا سخن آن‌ها خلاف اعمالشان جلوه نکند. در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِيَخْلُقَهُ فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَضَعَاءِ النَّاسِ كَيْ يَتَّقِيَ الْفَقِيرُ بِقَمَرِي وَ لَا يُطْغِيَ الْغَنِيُّ غَنَاه» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۴۱۰)؛ خدا مرا پیشوای خلقش کرده و بر من لازم است که بر خود تنگ بگیرم و در خوردن و نوشیدن و لباس، مانند مستمندان باشم تا فقیران به فقر من اقتدا کنند و تسلی یابند و توانگران با ثروت خود سرکشی نکنند.

امام خمینی (ره) نیز در این باره می‌فرماید: «اول خودتان را اصلاح بکنید، اول مهدّب بشوید و تعلیمات دینی را که برای آدم‌سازی است آن تعلیمات را عمل به آن بکنید و بعد هم جوان‌ها را، بچه‌ها را تربیت کنید» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۱۷۵)

ب) استفاده ابزاری از دین و وسیله قرار دادن مذهب

اگر حکومت‌ها با روش‌های ابزارگونه از دین بهره‌برداری کنند، هر کجا دین را تأمین‌کننده منافع خود ببینند، آن را گسترش می‌دهند و هر گاه احساس ضرر و زیان



کنند، دین را ضایع می‌سازند. «أَفْتَتُمُونَن بَبِغْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بَبِغْضِ» (بقره: ۸۵)؛ آیا به بعضی از کتاب ایمان می‌آورید و بعضی دیگر را انکار می‌کنید؟ این دوگانگی در برخورد با دین، عامل سلب اعتماد به ادعاهای دینداری آن حکومت خواهد بود. عده‌ای مذهب را وسیله رسیدن به اهداف خود قرار می‌دهند و با تظاهر به دین، سعی می‌کنند خود را مذهبی و دیندار نشان دهند؛ در حالی که قرآن کریم، ریاکاری و تظاهر به دین را مورد انتقاد و هشدار قرار داده است. قرآن به ما می‌آموزد که با وجود ریاکاری، خرسندی از مشاهده ظاهر انجام آداب و مناسک، هیچ سودی نخواهد داشت؛ بلکه نمازگزاران ریاکار، مورد توبیخ و تهدید قرآن قرار گرفته‌اند: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ. الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ. وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (ماعون: ۷-۴)؛ پس وای بر آن نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگارند. آنان که ریا می‌کنند و از دادن زکات دریغ می‌ورزند.

«کسانی که عبادت را در انظار مردم انجام می‌دهند (یا در انظار بهتر و غلیظ‌تر انجام می‌دهند)، این‌گونه افراد شکارچینی هستند که با زبان شکار حرف می‌زنند، تا شکار به دامشان بیفتد (در بین مسلمانان، خود را مسلمان‌تر از آنان جلوه می‌دهند و معلوم است اگر در بین اهل ملتی دیگر قرار بگیرند، چهره آن مردم را به خود می‌گیرند)» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۶۳۴)

ج) اختلافات سیاسی

«اگر کسانی که داعیه مسائل سیاسی دارند، از قشر دین‌مدار جامعه باشند، اختلافات و نزاع‌های سیاسی و جناحی می‌تواند به تضعیف دین در جامعه منجر شود و در خلق و خو و تربیت و بینش دینی و نوع باورها و ارزش‌هایی که مردم به آن پایبندند، تأثیر منفی ایجاد کند. جدال بی‌حاصل در مسائل دینی و سیاسی، به جای مناظره صحیح و منطقی، در روند دین‌گریزی و منع گسترش فرهنگ دینی تأثیر دارد» (فرمپینی فراهانی، ۱۳۸۳: ۹۸). هر یک از مسئولان سیاسی به جای توبیخ دیگران باید به اصلاح خود بپردازند؛ همچنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «إِيهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتِكُمْ عَلَى طَاعِهِ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ آتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (نهج‌البلاغه: خ ۱۷۵)؛ ای مردم! سوگند به خدا، شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم، مگر آنکه پیش از آن خود به آن عمل کرده‌ام و از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آنکه خود پیش از آن، آن را ترک گفته‌ام.



۲. موانع فرهنگی

الف) فقر فرهنگی

«منظور از فقر فرهنگی، تهیدستی مردم نسبت به مسائل فرهنگی، مانند عدم شناخت و عمل نسبت به مسائل دین به عنوان جزء مهم فرهنگ است. در مقابل، مراد از غنای فرهنگی، قوت و استحکام در عرصه علمی و عملی فرهنگ و التزام به مسائل فرهنگ دینی است» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۳: ۵۳). غنای فرهنگی باعث مصونیت فکری و فرهنگی می‌شود، ولی فقر فرهنگی و عدم آشنایی عمیق با مسائل دینی، مانعی بزرگ بر سر راه گسترش فرهنگ دینی است.

ب) تبلیغات گمراه‌کننده گمراهان و بی‌دینان

در عصر رسانه، کمتر کسی است که به نقش تبلیغات در هدایت و ضلالت جامعه، به ویژه نسل جوان واقف نباشد. امروزه استعمار و استثمار ملت‌ها دیگر با قشون نظامی نیست، بلکه از طریق ایجاد مؤسسات فرهنگی و آموزشی صورت می‌گیرد. استعمارگران برنامه‌های خود را در زیباترین قالب‌ها و جذاب‌ترین رسانه‌ها ارائه می‌دهند و نسل جوان را به دنبال خود می‌کشند. امام خمینی (ره) یکی از عواملی را که می‌تواند در جهت به فساد کشاندن نسل جوان مؤثر باشد، کتاب و نشریات منحرف می‌دانند و می‌فرمایند: «ملت عزیز در طول ۵۰ سال سیاه‌اخیر، گرفتار مجلات و روزنامه‌های تخریب‌کننده و فاسدکننده نسل جوان و از آن‌ها بدتر، سینماها و رادیو و تلویزیون بود که با برنامه‌های خود، ملت را به حد وافر در آغوش غرب و غرب‌زده‌ها غلتانید. ضررهای رسانه‌های گروهی از خرابی‌های توپ و تانک و سلاح‌های مخرب بالاتر و بدتر است؛ چرا که ضررهای سلاح، گذراست و ضررهای فرهنگی، باقی و به نسل‌های بعد انتقال پیدا می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹: ۱۵۹). در واقع؛ زمانی که جوانان یک جامعه از دستاوردهای فرهنگ اصیل و اسلامی خود بی‌اطلاع باشند، زمینه تهاجم فرهنگی مهیا می‌شود. دشمنان، این زمینه‌ها را در جامعه مناسب دیده، بر اساس آن برنامه‌ریزی می‌کنند. اما کارشناسان و مفسران قرآن کریم بر این باورند که با تکیه بر آموزه‌های عمیق و زیبای قرآن و بهره گرفتن از فرهنگ دین اسلام، می‌توان بر دشمنان پیروز شد.

ج) تحریف مفاهیم دینی و تفسیرهای غلط از آن

«...يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَفْتُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخَذُّوْهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوْا وَ



مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۴۱)؛ ... کلمات را از جاهای خود دگرگون می کنند [او] می گویند: «اگر این [حکم] به شما داده شد، آن را بپذیرید، و اگر آن به شما داده نشد، پس دوری کنید». و هر که را خدا بخواهد به فتنه در افکند، هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی آید. اینانند که خدا نخواستہ دل هایشان را پاک گرداند. در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود.

«این ها چنان در گمراهی فرو رفته اند و افکارشان به قدری متحجّر شده که بدون هر گونه اندیشه و مطالعه، آنچه را که بر خلاف مطالب تحریف شده آنان باشد، رد می کنند و به این ترتیب، امیدی به هدایت آن ها نیست و خدا می خواهد به این وسیله آن ها را مجازات کرده و رسوا کند «و کسی که خدا اراده مجازات و رسوایی او را کرده است، هرگز تو قادر بر دفاع از او نیستی»» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۸۵)

تحریف به معنای دگرگون شدن مفاهیم دینی است؛ اینکه چیزی به چیز دیگر قلب ماهیت دهد و به جز آنچه وضع اصلی آن است، تغییر یابد. تحریف ها و تفسیرهای غلط از دین، موجب بدفهمی دین می شود. «اگر دین به درستی فهمیده نشود و عمیق دریافت نشود، فهمی آسیب دیده و دریافتی آفت زده در انسان شکل می گیرد و چنین فهم و دریافتی، راهبر به مقاصد دین نخواهد بود. دینداری فارغ از فهم درست دین، نمایشی است از اعمال به ظاهر دینی و بی بهره از روح و حقیقت دین و بالطبع، خالی از محتوای دیانت؛ به بیان امام علی (ع): كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالظَّمْأُ وَكَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السُّهْرُ وَالْعَنَاءُ حَبْدَانُومُ إِلَّا كَيْاسٍ وَإِفْطَارُهُمْ» (نهج البلاغه: ح ۱۴۵)؛ بسا روزه داری که بهره ای جز گرسنگی و تشنگی از روزه داری خود ندارد و بسا شب زنده داری که از شب زنده داری جز رنج و بی خوابی به دست نیورد! خوشا خواب زیر کان و افطارشان!» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۶۵). اسلام دینی است مبتنی بر فطرت بشر که روح و عقل، پذیرای آن است و از آن تأثیر می پذیرد. نباید عرضه ناقص و نامطلوب آن توسط کسانی که به نحوی متولّی این امرند، علاقه مندی افراد را به آموزه های دینی تضعیف می کند.

۳. موانع اجتماعی

الف) دوستی با دوستان گمراه و فاسد

«با توجه به تأثیرات قطعی و غیر قابل انکار دوست در شخصیت آدمی، می توان



گفت که انتخاب دوست، در حقیقت انتخاب یک راه، یک شخصیت و یک آینده است» (شرفی، ۱۳۸۱: ۲۱۳). دوستی با دوستان فاسد، گمراهی و فساد انسان را به دنبال خواهد داشت. انسان ظالم در روز قیامت انگشت حسرت گزیده، می‌گوید: «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ لِيَلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا. يَا وَيْلَتَى لِيَلَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا. قَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا» (فرقان: ۲۹-۲۷)؛ و روزی است که ستمکار دست‌های خود را می‌گزد [او] می‌گوید: «ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم. او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود.» و شیطان همواره فرو گذارنده انسان است. «بدون شک، عامل سازنده شخصیت انسان - بعد از اراده و خواست و تصمیم او - امور مختلفی است که از اهم آن‌ها، همنشین و دوست و معاشر است؛ چرا که انسان، خواه و ناخواه تأثیرپذیر است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش می‌گیرد. این حقیقت، هم از نظر علمی و هم از طریق تجربه و مشاهدات به ثبوت رسیده است. این تأثیرپذیری از نظر منطق اسلام تا آن حد است که در روایات اسلامی بر آن تأکید شده است. امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در گفتار گویای خود می‌فرماید: فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَ لَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ - فَانظُرُوا إِلَيَّ حَلْطَائِهِ - فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَيَّ دِينِ اللَّهِ وَ إِنْ كَانُوا عَلَيَّ غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ مِنْ دِينِ اللَّهِ؛ هر گاه وضع کسی بر شما مشتبه شد و دین او را نشناختید، به دوستانش نظر کنید؛ اگر اهل دین و آیین خدا باشند، او نیز پیرو آیین خداست و اگر بر آیین خدا نباشند، او نیز بهره‌ای از آیین حق ندارد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۱۹۷)

و به راستی، گاه نقش دوست در خوشبختی و بدبختی انسان، از هر عاملی مهم‌تر است؛ گاه او را تا سرحد نیستی پیش می‌برد و گاه او را به اوج افتخار می‌رساند.

ب) توسل به زور و خشونت برای دیندار کردن

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس: ۹۹)؛ و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آن‌ها یکسر ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند؟

«در این آیه کریمه اشاره می‌شود که نباید از جهت اعراض و سستی مردم در موضوع ایمان به خداوند و گرایش به آیات او متأثر و ناراحت شد؛ زیرا اگر خداوند متعال صلاح و



لازم می‌دید، همهٔ افراد را وا می‌داشت به ایمان. و از آغاز آفرینش همه را روی وابستگی به خداوند و حق و گرایش به آیین حقِّ اِلَهِی خلق می‌فرمود. و چگونه شما دیگران را می‌خواهید به ایمان آوردن ملزم و مکره کنید! و ایمان هنگامی مطلوب و پسندیده و ارزشمند است که از روی اختیار و آزادی و دقت صورت بگیرد، نه از روی اکراه و اجبار یا تقلید کورکورانه. و بعضی از افراد ساده‌لوح چنین تصوّر می‌کنند که لازم است همهٔ افراد را اگر چه با اکراه باشد، وا بدارند به ایمان؛ در صورتی که چنین ایمانی ممکن است موجب اهانت به حق باشد». (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۱: ۱۰۴)

عدم توجه به تنوع نیازها و خواسته‌ها و منظور نکردن مراتب و درجات انسانی، از موانع گسترش فرهنگ دینی در جامعه است. بر این اصل، شواهد بسیاری در نصوص دینی و منابع دینی به چشم می‌خورد؛ امام علی(ع) در سخنی والا فرموده است: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتُوا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا» (شیخ صدوق، ۱۴۰۰: ۴۴۶)؛ خیر مردم در تفاوت آن‌ها [در استعدادها] است و اگر همه [در استعداد] مساوی باشند، هلاک شوند. اگر در مقام ارائهٔ دین، این واقعیت و ضرورت نفی شود یا به درستی لحاظ نشود، به انزوای دین و بی‌رنگی دینداری منجر می‌شود.

ج) پاسخگو نبودن دین به نیازهای عصر جدید

همواره با تحول ایام، انسان‌ها و جوامع هم متحول می‌شوند و این تحول، پرسش‌های تازه‌ای فرا روی دین می‌نهد و از آن پاسخ‌های تازه می‌طلبد. «اگر عالمان دین، مقتضیات زمان را درک نکنند و ضروریات زمانه را دریابند و نتوانند زبان و بیان و شیوهٔ ارائهٔ دین را در هر دوره، معاصر کنند؛ دین صورت و قالب نامتناسبی با زمانه و نیازهای پیش‌آمده پیدا می‌کند و نمی‌تواند پاسخگوی ضروریات زمانه باشد» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۳۸). پس چنانچه مفسران دینی نتوانند به پرسش‌های نسل جدید و شبهات عصر جدید پاسخ شایسته دهند و نسل جدید، پاسخ پرسش‌های خویش را در مکتب‌های فکری دیگر بیابد، طبیعی است که از دین دست کشیده، به سوی مکاتب بشری روی می‌آورد.

د) تقلید از بیگانگان

از موانع گسترش فرهنگ دینی، تقلید بدون استدلال یک جامعه نسبت به بیگانگان است: «تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ» (مائده: ۸۰)؛ بسیاری از آنان را می‌بینی که با کسانی که کفر ورزیده‌اند



دوستی می‌کنند. راستی چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادند، [در نتیجه] خدا بر ایشان خشم گرفت و پیوسته در عذاب می‌مانند. «قرآن با بیان چنین دوستی اهل کتاب، همه توحیدگرایان را از تقلید کورکورانه از بیگانگان باز می‌دارد. حدیثی از امام باقر(ع) نقل شده که چنین معنایی را تأیید می‌کند: «یتولون الملوک الجبارین و یزینون اهوئهم لیصیبوا من دنیاهم» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۵۸)؛ این دسته کسانی بودند که جبارانی را دوست می‌داشتند که اعمال هوس‌آلود آنان را در نظرشان خوب جلوه می‌دادند تا به آن‌ها نزدیک شوند و از دنیایشان بهره گیرند. به فرموده امام خمینی(ره): تقلید در پوشاک، خوراک، وسایل تجملی، آداب و رسوم شهوانی و... سبب می‌شود که آنان (مسلمانان را) در انحطاط فرهنگی و فساد پیش روند و آنان را به ذلت و وابستگی در همه زمینه‌ها بکشاند. از این رو، قرآن این‌گونه شباهت‌ها و تقلیدها را ممنوع می‌داند.» (مرقاتی، ۱۳۸۲: ۱۹۰)

ه) جمودگرایی

بسیاری از اوقات، قالب‌های دینی چنان برجسته و مورد توجه قرار می‌گیرند که محتوا و روح و جان از یاد می‌رود. قالب‌ها و احکام برای حفظ ارزش‌های انسانی و اخلاق تشریح شده است. جمود بر آن‌ها و از یاد بردن اساس و روح احکام دینی، ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است که به جز فاصله گرفتن از روح دین و شریعت، زمینه مساعدی را برای فرصت‌طلبان فراهم می‌سازد. قرآن کریم روزه، عبادت و ذکر خدا را راهی محتمل برای دستیابی به تقوا معرفی کرده، با تعبیر «لعلکم تتقون» از آن یاد می‌کند. روشن است که برخی قالب‌ها که در دوره‌های گذشته رواج داشته، مناسب آن دوره و زمان بوده و تعمیم آن قالب‌ها برای همه دوره‌ها، لغزشی بزرگ است. سخنی نغز از شهید مطهری در راز جاودانگی دین اسلام، شاهدی بر این مدعاست: «اسلام هرگز به شکل و صورت ظاهر زندگی نپرداخته است. تعلیمات اسلام همه متوجه روح و معنا و راهی است که بشر را به آن هدف‌ها و معانی می‌رساند. اسلام هدف‌ها و معانی و ارائه طریق رسیدن به آن هدف‌ها و معانی را در قلمرو خود گرفته و بشر را در این امر آزاد گذاشته است و به این وسیله، از هرگونه تصادمی با توسعه و تمدن و فرهنگ پرهیز کرده است.» (مطهری، ۱۳۶۹: ۸۴)

و) دنیادوستی و ترجیح دنیا (خوشگذرانی مادی)

«در بینش اسلام، وابستگی به دنیا نفی شده و به همان اندازه، اعراض از دنیا نیز مذموم شده است. بهترین رابطه آدمی با این دو پدیده، در کلامی از رسول خدا(ص)

متجلی است» (شرفی، ۱۳۸۱: ۳۷) که فرمودند: «خیرکم من لم یترک آخرته لدنیا و لا دنیا لآخرته و لم یکن کلاً علی الناس؛ بهترین شما کسی است که آخرت خود را برای دنیا از دست ندهد و دنیای خود را برای آخرت از دست نگذارد و سربار مردم نباشد» (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۳). طبق این بیان شیوا، باید تعادل بین دنیا و آخرت حفظ شود؛ نه اینکه آدمی به دنیاپرستی پرداخته و از دین و آخرت خود غافل شود.

خداوند، دین‌گریزی بعضی از مردم را به خاطر دنیا دوستی و ترجیح دنیا به آخرت می‌داند: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مِنْ أَكْرَهٍ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَا كَيْفَ مِنْ شَرَحٍ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (نحل: ۱۰۷-۱۰۶)؛ هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [الی] قلبش به ایمان اطمینان دارد. اما هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد، خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود؛ زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و [هم] اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

کسی که سرگرم دنیا می‌شود، این سرگرمی به گونه‌ای او را مجذوب می‌کند که دیگر در مسائل دینی نمی‌اندیشد. پرداختن به عیاشی و خوشگذرانی، در حقیقت اجابت خواسته‌ی نفسانی مبتنی بر لذات شهوانی است که سبب شکستن حریم‌های الهی و گاه انکار رسولان می‌شود (ر.ک: سبا: ۳۵-۳۴). فرو رفتن در راحتی‌های نفسانی و غوطه‌ور شدن در فساد ناشی از ثروت و قدرت، باعث طغیان و سوء استفاده از نعمت‌های خداوند می‌شود. قرآن کریم کسانی را که به واسطه‌ی خوشی‌های مادی زودگذر دنیا، خدا را فراموش می‌کنند، مذمت کرده، می‌فرماید: «وَ إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشِيرُونَ» (روم: ۳۳)؛ و چون مردم را زبانی رسد، پروردگار خود را، در حالی که به درگاه او توبه می‌کنند، می‌خوانند و آن گاه که از جانب خود رحمتی به آنان چشانید، به ناگاه دسته‌ای از ایشان به پروردگارشان شرک می‌آورند. این آیه «یکی از خصال و خصوصیات بشر را بیان می‌کند که غیر قابل انکار می‌باشد و آن اینکه می‌فرماید: مردم این‌طورند که هر گاه ضرر و مشکلاتی دامنگیرشان می‌شود، پروردگار خویشتن را برای بر طرف کردن آن ضرر و مشکلات می‌خوانند و به سوی خدا و خداپرستی باز می‌گردند، توبه و انابه می‌نمایند. بدبهی است که این‌ها همه برای



برطرف کردن ضرر و گرفتاری‌ها می‌باشد، نه برای آن ایمان و اخلاصی که به خدا داشته باشند» (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ ق، ج ۱۵: ۳۵۴). زمانی که مردم از دنیادوستی دست بردارند و به جای خوشگذرانی در نعمات دنیوی، به فکر رشد دینی و مذهبی باشند، آنگاه زمینه گسترش فرهنگ دینی هموار شده است.

۴. موانع اقتصادی

الف) فقر اقتصادی

در دین اسلام علاوه بر توجه به مسائل اخروی، به مسائل دنیوی نیز توجه شده است؛ تا آنجا که دنیا را مزرعه آخرت معرفی می‌کند. تأکید دین اسلام به اموری مثل پرداخت زکات یا مقام والای انفاق کنندگان، در حقیقت نوعی راه پیشگیری از بروز فقر است. در جامعه‌ای که دغدغه‌اش تأمین نیازهای اساسی معیشتی است، از تبلیغ احکام دینی و امر و نهی کردن‌ها ثمره مطلوبی حاصل نمی‌شود. با توجه به این واقعیت، در اندیشه امام علی (ع) فقر از جمله علل نقصان و ضعف دینداری ذکر شده است: «يَا بَنِي! اِنِّي اَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ فَاِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ» (نهج البلاغه: ح ۳۱۹)؛ ای فرزندا! من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر که

همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است.

پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «لَوْ لَا رَحْمَةُ رَبِّيْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ اُمَّتِيْ كَادَ الْفَقْرُ يَكُوْنُ كُفْرًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹: ۴۷)؛ اگر که رحمت خداوند شامل فقرای امت من نمی‌شد، هر آینه ممکن بود فقر به کفر بینجامد.

«پس فقر و ناداری - در بیشتر موارد - نمی‌گذارد که شخص معتقد، در عمل نیز معتقد بماند و در انجام دادن تکلیف‌های گوناگون شرعی خود، دقیق و مواظب باشد و برای ادای درست آن‌ها فرصت و توان یابد، مگر آنکه توفیق خدا دستگیر او شود. محرومان و بینوایان چه بسا نتوانند وظایف ابتدایی دینی خود را - از واجب و مستحب و حلال و حرام و طهارت و نجاست - انجام دهند تا چه رسد به بیش از آن‌ها و این امر که فقر و ناداری - یا کمبود - مردمی را از دین و تعهدات دینی و جریان اسلامی بیرون برد و در پایبندی به اسلام و عمل به احکام آن سست کند، در دنیای معاصر ما، از عوامل و اموری دیگر نیز مایه می‌گیرد و تبلیغ می‌شود. پس لازم است که عالمان آگاه و حاکمان

صاحب قدرت و مؤمنان معتقد به سختی نگران باشند و غفلت نورزند و با کسانی که به دفاع از حقوق فقیران و مستضعفان پرداخته‌اند، همکاری کنند و این گونه تعالیم آل محمد(ص) را با کوشایی نشر دهند». (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۴۳۱)

ب) غنای اقتصادی

علاوه بر فقر اقتصادی، غنای اقتصادی نیز می‌تواند زمینه طغیان و فساد را فراهم کرده، موجب نقصان دینداری شود. قرآن کریم، استغنا و بی‌نیازی انسان را موجب طغیان و گناه می‌داند: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ» (علق: ۷-۶)؛ حَقّاً که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز پندارد. «جمله مورد بحث می‌خواهد علت طغیان انسان را بیان کند، می‌فرماید علت طغیانش این است که او خود را بی‌نیاز از پروردگار خود می‌داند؛ پروردگاری که بر او انعام کرده و سرپای وجود او انعام وی است و نعمت‌های بی‌شمار او را کفران می‌کند و علت این انحراف آن است که انسان به خود و هواهای نفسانی خود می‌پردازد و دل به اسباب ظاهری که تنها وسیله مقاصد او است (و نه هدف) می‌بندد و در نتیجه از پروردگارش غافل می‌شود و به هیچ وجه خود را محتاج او نمی‌بیند؛ چون اگر خود را محتاج او می‌دید، همین احتیاج و ادارش می‌کرد که به یاد او بیفتد و او را ولی نعمت‌های خود بداند و شکر نعمت‌هایش را به جای آورد. نتیجه این انحراف این است که در آخر، خدا را به کلی فراموش کرده، سر به طغیان بردارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۵۰). امام علی(ع) نیز همانند قرآن، غنا و بی‌نیازی مفرط اقتصادی را عامل طغیان و عصیان می‌داند: «تَرَوُوهُ الْمَالَ تُرِيدُوهُ وَتَطْغَى وَتَفْتَنُ؛ مال بسیار هلاکت و سرکشی آورد و نابود گرداند» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۵۵). امام علی(ع) در موارد متعددی، دوستی مال و ثروت و زیادی مال را باعث سستی و فساد در دین معرفی فرموده‌اند: «حُبُّ الْمَالِ يُوْهِنُ الدِّينَ وَ يُفْسِدُ الْيَقِيْنَ؛ دوستی مال، دین را سست و یقین را فاسد می‌کند». (همان)

ج) ایجاد فاصله طبقاتی و عدم تحقق عدالت اجتماعی

ایجاد عدالت، مهم‌ترین هدف بعثت پیامبران است و مردم در همه زمان‌ها، همواره تحقق آن را از حاکمان دینی خواستار شده‌اند. در صورتی که این امر محقق نشود، زمینه بدبینی و انزجار مردم از حاکمان دینی و به تبع، از دینی که آن‌ها داعیه‌دار آنند، فراهم می‌شود. امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ؛ عدالت، زندگی و جان



احکام است» (همان: ۸۹). «عدل، مایهٔ زنده ماندن احکام است». «چرخیدن عادلانهٔ مال (و امکانات معیشتی) در جامعه، از مهم‌ترین عوامل بنیادینی است که قوام و استحکام اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی و سیاسی و دفاعی را پدید می‌آورد و از این راه است که «حضور دین در جامعه» آشکار می‌شود؛ زیرا «العدل حیاة الأحکام»؛ با اقامهٔ عدل است که احکام دین زنده می‌ماند (و مورد عمل قرار می‌گیرد). عدل و قسط تنها با تعادل (هم‌سطحی) تحقق می‌یابد. پس قرار گرفتن «میزان» (ترازو/ وسیلهٔ ایجاد تعادل) در کنار «کتاب» (قرآن)، آشکارا دلیل بر آن است که میان «میزان» و «عدل» پیوند علت و معلولی است؛ یعنی بدون تعادل و توازن مالی و معیشتی (در همهٔ سطح‌های جامعه)، هیچ قسط و عدلی وجود نخواهد داشت» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۹). یا می‌فرمایند: «الرعیه سواد يستعبدهم العدل» (همان، ج ۶: ۶۰۹)؛ مردم توده‌هایی‌اند که اجرای عدالت آنان را به فرمانبرداری وا می‌دارد. «این تعلیم به سهم خود دلیل است بر اینکه ستمگری، مردمان را به گردنکشی و نافرمانی برمی‌انگیزد و این امری آشکار و آزموده است. این نافرمانی یا آشکار است که به پیدا شدن مفسد و هرج و مرج‌های اجتماعی می‌انجامد و به دین و اخلاق و زندگی‌ها و اموال مردم زیان می‌رساند، یا غیر آشکار که مفسد و زیان‌های بزرگ آن سراسر زندگی ملت را به اشکال وحشت‌انگیز فرا می‌گیرد» (همان: ۶۱۰).

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، به دست می‌آید که ظهور و بروز برخی مسائل در درون جامعهٔ دینی و در عرصه‌های مختلف، نه تنها در روند توسعهٔ فرهنگ دینی مانع ایجاد می‌کند، بلکه باعث تضعیف دین و ارزش‌های والای دینی در سطح جامعه می‌شود. این موانع و چالش‌ها با صبغهٔ سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، باعث سست شدن باورهای دینی مردمان و کاهش میزان پایبندی آن‌ها به دین و ارزش‌های دینی شده، به طور کلی باعث کم‌رنگ شدن حضور دین در جامعه می‌شوند. شناسایی و رفع این موانع، مقدمه‌ای است برای توسعهٔ فرهنگ دینی در جامعه؛ بدین معنا که با رفع هر یک از موانع در بُعد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، شرایط و زمینهٔ اقبال و گرایش افراد جامعه به دین و فرهنگ دینی فراهم شده؛ در نتیجه، رشد و تعالی و توسعهٔ فرهنگ دینی را به دنبال خواهد داشت.



منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۹). **صحیفه امام**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵). **صحیفه نور**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). **نهج الفصاحه**. تهران: دنیای دانش.
- تیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۷۸). **غرر الحکم و درر الکلم**. ترجمه هاشم رسولی محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرّانی، حسین بن علی بن الحسین بن شعبه. (۱۴۰۴ ق). **تحف العقول عن آل الرسول (ص)**. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۸۰). **الحیاه**. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹). **ره‌زنان دین**. تهران: دریا.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۱). **تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی**. تهران: پنجره.
- شیخ صدوق، علی بن الحسین (ابن بابویه قمی). (۱۴۰۰ ق). **امالی**. بیروت: اعلمی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). **تفسیر المیزان**. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۳). **آسیب‌شناسی توسعه فرهنگ دینی**. تهران: عرش پژوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). **الکافی**. تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار**. تهران: نشر اسلامیه.
- مرقاتی، طه. (۱۳۸۲). **قرآن و توسعه فرهنگی**. تهران: فرهنگ مشرق زمین.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). **تفسیر روشن**. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). **ختم نبوت**. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی خمینی، محمدجواد. (۱۳۹۸ ق). **تفسیر آسان**. تهران: اسلامیه.